رهنما

آستان قدس رضوی

۷۸

دنیاداری و دنیاگریزی

حسنعلی علی‌اکبریان



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۷۸ (دنیاداری و دنیا گریزی)

نویسنده:

حسنعلی علی اکبریان

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵

رهنما۷۸ (دنیاداری و دنیا گریزی) ۷

مشخصات کتاب ۷

اشاره ۸

دنیاداری و دنیاگریزی ۱۱

درآمد ۱۳

الگوی فقر ۱۴

اشاره ۱۴

۱. بهره های دنیوی موجب عذاب در دنیا و آخرت است ۱۴

۲. دنیا متاعی ناپایدار است ۱۶

۳. دنیا سرای فریب است ۱۶

۴. دنیا و آخرت با هم تنافی دارند و جمع بین آن ها ممکن نیست ۱۸

۵. دنیا سبب روگردانی از آخرت است ۲۰

۶. فقر، پسندیده است ۲۴

الگوی رفاه و غنا ۲۷

اشاره ۲۷

۱. کسب مواهب دنیوی و مادی، در اسلام مطلوب است ۲۷

۲. دنیا و مواهب مادی، خیر و از فضل و رحمت الهی است ۳۶

۳. دنیا و مواهب آن، پاداش دین داری و اَعمال صالح است ۳۷

۴. گاه محرومیت ازمواهب دنیا، کیفر اَعمال زشت است ۴۰

۵. فقر ناپسند است ۴۱

الگوی کفاف ۴۳

نتیجه گیری از دلایل الگوهای سه گانه ۴۹

نکتهٔ دوم: ۵۴

نکتهٔ سوم: ۵۵
الگوی کار و ثروت ۵۷
درباره مرکز ۶۳

رهنما۷۸ (دنیاداری و دنیا گریزی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : علی اکبریان، حسنعلی، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور : دنیا داری و دنیاگریزی/نویسنده حسنعلی علی اکبریان؛ [به سفارش] آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۰ ص.؛ ۱۷×۱۱س م.

فروست : رهنما.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۲۸-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : اسلام و دنیوی گرایی

موضوع : دنیوی گرایی -- جنبه های قرآنی

موضوع : انسان (اسلام)

موضوع : دنیوی گرایی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۲۵۰/۵/ع۷۷د۹ ۱۳۹۱

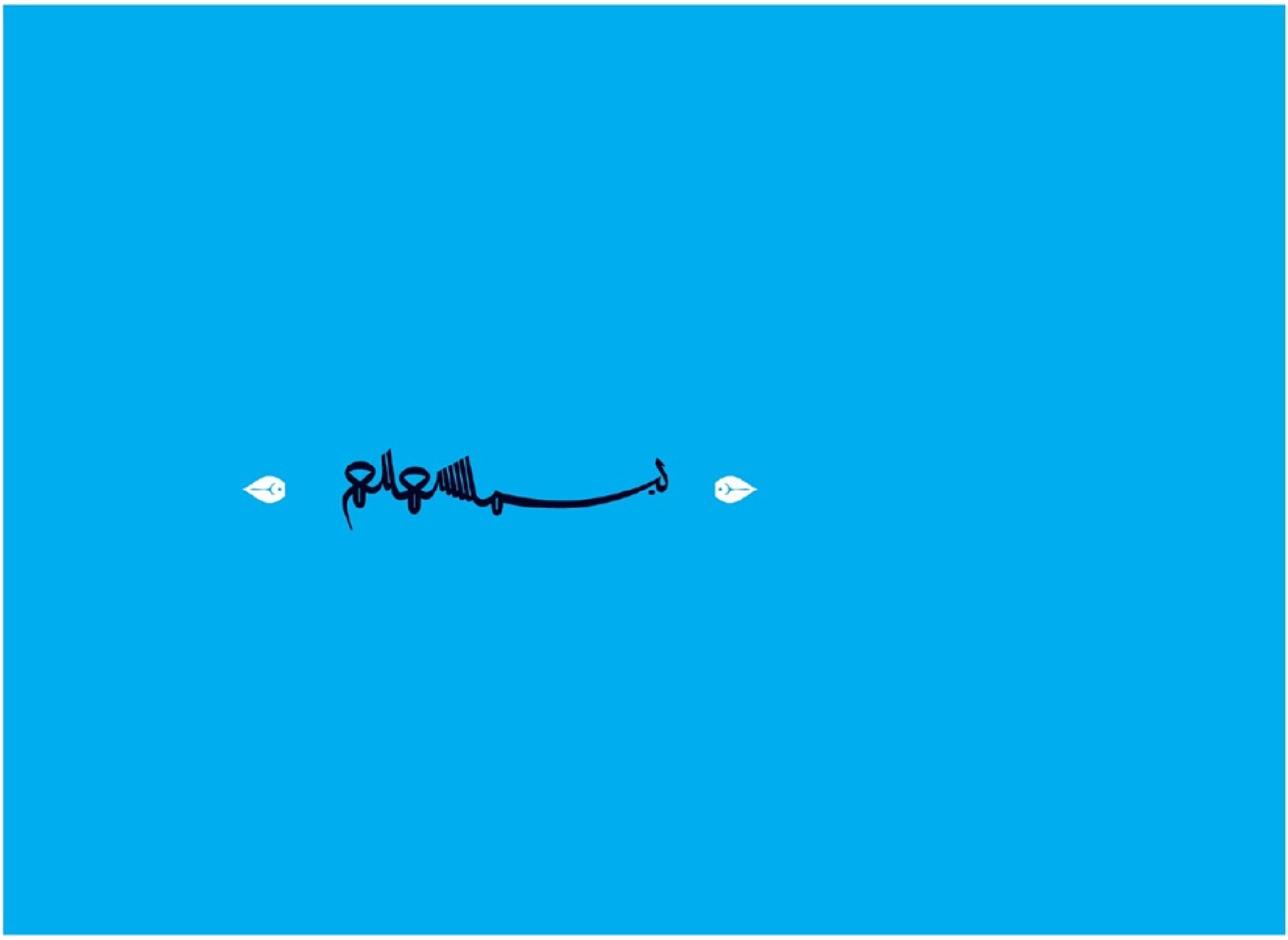
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۸۶۰۰۶

ص:۱

اشاره

تصویر



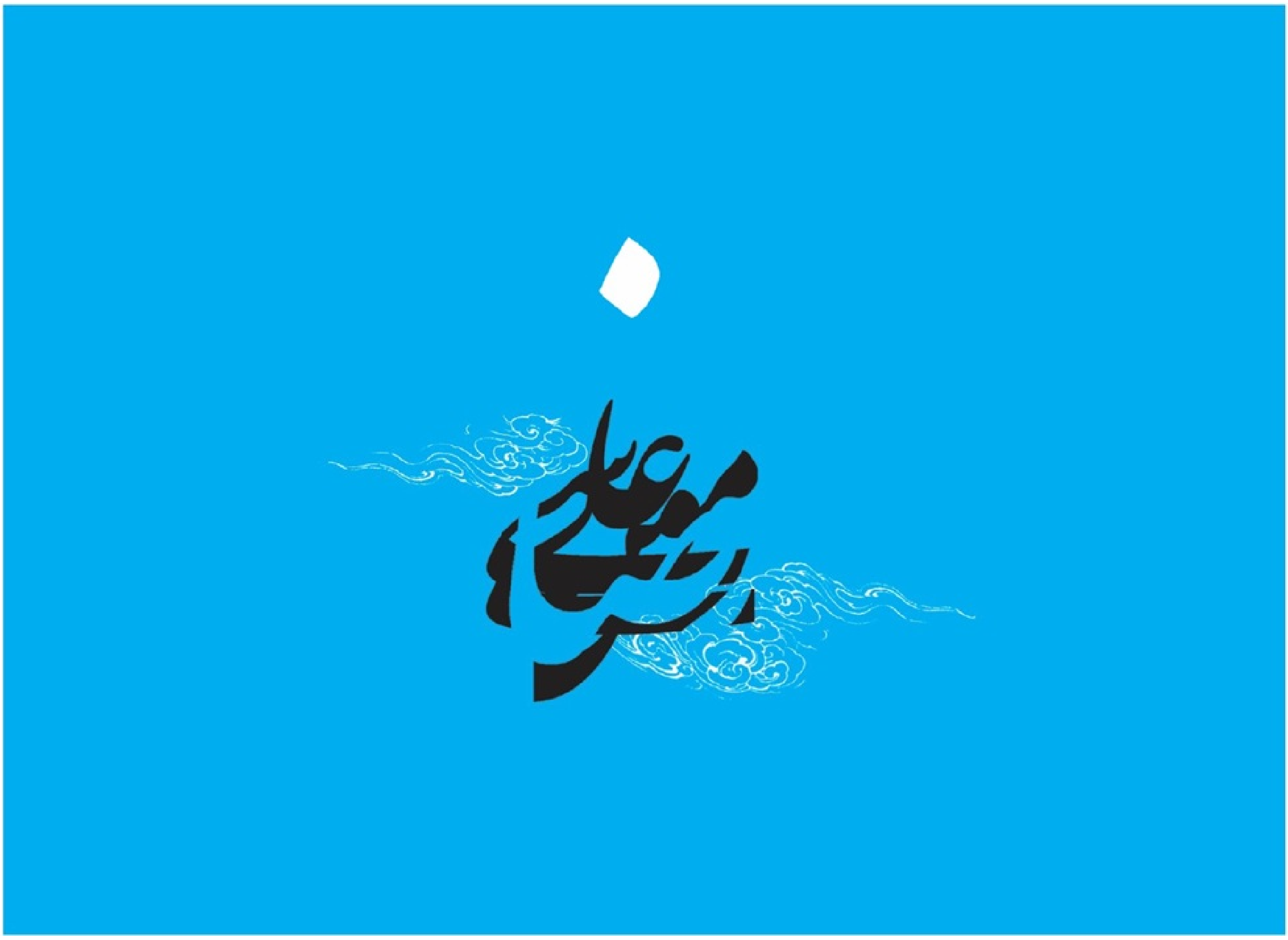
ص:۲

تصویر



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



ص:۴۰

دنیاداری و دنیاگریزی

این متن استدلالی و مستند به آیات و روایات را برای پاسخ به پرسش های زیر سامان داده ایم:

- دنیاداری برای آخرت و دنیامداری برای خودِ دنیا چه فرق هایی با هم دارند؟
- بین روایاتی که بر فقر یا رفاه یا کفاف دلالت می کنند، چگونه می توان تضاد ظاهری را حل کرد؟
- اسلام فقر را می پسندد یا غنا و ثروت را؟ حالت میانه چیست؟
- در روی آوری به دنیا، مرز برآوردن نیازهای طبیعیِ انسانی و مصرف در راه خداوند، کجاست؟

ص:۵

تصویر



ص:۶

درآمد

آیا اسلام انسان را ترغیب کرده که هرچه بیشتر، از نعمت های دنیا بهره مند شود یا از او خواسته است که نعمت های دنیا را برای رسیدن به آخرت ترک کند؟ میزان مطلوب بهره مندی از دنیا چقدر است؟ این میزان کدام یک از این سه الگوست: فقر یا رفاه یا کفاف؟ پاسخ به این سؤال آسان نیست. دشواری پاسخ، زمانی جلوه می کند که به منابع دینی رجوع کنیم و برای هریک از این سه الگو مؤیداتی بیابیم. در اینجا، نخست به آیات و روایاتی اشاره می کنیم که انسان را به هریک از آن ها دعوت می کند و سپس، آن ها را تحلیل می کنیم.

ص:۷

الگوی فقر

اشاره

در جوامع بشری، چشم پوشی از دنیا همواره از نشانه های بارز پارسایی و خداخواهی و آخرت گرایی بوده است. هرگاه انسان ها دنیا گرایی را مایهٔ تباهی خود دیده اند، به عزلت روی آورده و دنیا را ترک کرده اند. در منابع اسلام نیز آیات و روایاتی وجود دارد که گویی انسان را به تَرک دنیا می خواند؛ اما معنای صحیح آن ها را در جمع بندی و پس از بیان هر سه الگو بیان می کنیم. این آیات و روایات را می توان در عنوان های زیر یافت:

۱. بهره های دنیوی موجب عذاب در دنیا و آخرت است

(۱)

خداوند می فرماید:

« وَ لا تُعْجِبْکَ أَمْوالُهُمْ وَ أَوْلادُهُمْ انَّما یُریدُ اللَّهُ أَنْ یُعَذِّبَهُمْ بِها فِی الدُّنْیا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ کافِرُونَ »(۲) (=و اموال

۱- . در عنوان این بخش و نیز ترجمهٔ روایات، از کتاب موزانهٔ اسلامی بین دنیا و آخرت استفاده کرده ایم.

۲- . توبه، ۸۵.

و فرزنـدان آنان تو را شـگفت زده نکند. جز این نیست که خدا می خواهد ایشان را در دنیا، به وسـیلهٔ آن ها عذاب کند و جانشان درحال کفر بیرون رود.)

خداوند در این آیه، اموال و فرزندان را که از مواهب دنیا هستند، برای کافران مایهٔ عذاب دنیا و وسیلهٔ اصرار بر کفر و درنتیجه، عذاب آخرت شمرده است. این همان سنت استدراج و امهال است که درظاهر، نعمت است؛ ولی در باطن از عذاب های الهی برای دشمنان خداوند است که خودشان سبب آن شده اند.(۱) همچنین، حضرت امیر می فرمایند:

مَثل دنیا همچون مار است که بدنی نرم دارد؛ ولی زهری کُشـنده درون آن است. فریب خوردهٔ نادان به آن متمایل می شود؛ اما دانای خردمند از آن حذر می کند.(۲)

۱- . برای مطالعهٔ استـدراج، نک: زخرف، ۳۳تا۳۵؛ اعراف، ۱۸۲ و ۱۸۳؛ رعد، ۳۲؛ قلم، ۴۴ و ۴۵؛ برای مطالعـهٔ امهال، نک: آل عمران، ۱۷۸؛ فاطر، ۴۵.

۲- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۱۹، ص۳۸۱ و نامهٔ ۶۸، ص۳۵۲.

یعنی زیبایی دنیا، انسان را به سوی خود می کشد؛ اما حقیقت آن خطرناک و فتنه انگیز است.

۲. دنیا متاعی ناپایدار است

خداوند می فرماید:

« تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيا وَ اللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (۱) (=شما متاع دنیا را می خواهید و خدا آخرت را می خواهد.)

عَرَض، چیزی است که یک شیء متصف به آن می شود؛ اما به سرعت از آن شیء زایل می شود. خداوند متاع دنیا را عَرَض خوانده است؛ چراکه به سرعت از بین می رود.(۲)

۳. دنیا سرای فریب است

قرآن تصریح می کند:

ص:۱۰

۱- . انفال، ۷۶.

۲- . سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج۹، ص۱۳۷.

« وَ مَا الْحَیاهُ الدُّنْیا الاَّ مَتاعُ الْغُرُور» (۱) (=و زندگی دنیا جز مایهٔ فریب نیست.)

حضرت امیر فرمودند:

ای دنیا، از من دور باش. آیا به من روی می آوری یا به من شوق داری؟ هنوز زمان تو نرسیده است. هیهات! غیر مرا فریب ده، مرا به تو نیازی نیست. همانا تو را سه طلاقه کرده ام که رجوعی در آن نیست.(۲)

و نیز گفته اند:

اما بعد، پس شما را از دنیا برحذر می دارم که همانا شیرین و سرسبز و به شهوات پیچیده شده... بسیار فریبنده و سخت زیان زننده است.(۳)

۱- . آل عمران، ۵۸۱.

۲- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۷، ص۳۷۲.

۳- . همان، خطبهٔ ۱۱۱، ص۱۰۷.

۴. دنیا و آخرت با هم تنافی دارند و جمع بین آن ها ممکن نیست

ادله ای بر تنـافی دنیـاخواهی و آخرت طلبی انگشت می نهنـد و از آن هـا مطلوبیت فقر نتیجه گرفته می شود. در اینجـا، به این دلایل اشاره می کنیم و در جمع بندی، معنای نهایی آن ها را بیان خواهیم کرد:

خداوند متعال می فرماید:

«وَ مَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَهِ مِنْ نَصیب»(۱)(=و کسی که کِشت این دنیا را بخواهد، به او می دهیم؛ ولی در آخرت او را نصـیبی نیست)وجه اسـتدلال به این آیه، این است که هرکس دنیا را بخواهد، از نعمت های آخرت بی بهره است. بنابراین، دنیاخواهی با سعادت اخروی ناسازگار است و هرکه جویای سعادت آن جهان است، نباید به جست وجوی

۱- . شوری، ۰۲.

دنیا برخیزد.

حضرت امیر فرمودند:

همانا دنیا و آخرت، دو دشمن و دو راه مختلف اند. پس آنکه دنیا را بپسندد و دوست بدارد با آخرت کینه ورزیده و دشمنی کرده است. آن دو همچون مشرق و مغرب اند و رهسپار میان آن ها، هرگاه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور شده است. آن دو، پس از این همه، همچون دو همسر یک مَردند.(۱)

از امام سجاد نیز نقل کرده اند:

...به خدا سوگند، دنیا و آخرت جز همانند دو کفۀ ترازو نیست؛ پس هر کفه که مایل شود و پایین آید، دیگری را بالا می برد.(۲)

۱- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۰۳، ص۳۷۷.

۲- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص۹۲، به نقل از: الخصال.

انگیزۀ استدلال به این روایات روشن است.

۵. دنیا سبب روگردانی از آخرت است

خداوند متعال می فرماید:

« وَ إِذا أَنْعَمْنا عَلَى الْاِنْسانِ أَعْرَضَ وَ نَأى بِجانِبِه»(۱) (=و چون به انسان نعمت ارزانی کنیم، روی برمی گرداند و پهلو تهی می کند.)

« وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْض» (۲) (=و اگر خدا روزی را برای بندگانش فراخ کند، مسلماً در زمین عصیان می کنند.)

استشهاد به این دو آیه برای تحسین فقر و کناره گیری از دنیا روشن است. اما در آیۀ بعد، به جای خودِ غنا و بی نیازی، احساس غنا و بی نیازی از خداوند از اسباب طغیان به شمار

ص:۱۴

۱- . اسرا، ۳۸.

۲- . شوری، ۲۷.

آمده است:

« انَّ الْانْسانَ لَیَطْغی أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی» (1) (=حقا که انسان سرکشی می کند، همین که خود را بی نیاز پندارد.)

شاید اینکه دو آیهٔ نخست، برخورداری از نعمت و وسعت رزق را سبب سرکشی و روگردانی از خدا معرفی کرده است، بیان حال اغلب مردم باشد؛ یعنی در چنان حالتی، بیشترِ انسان ها احساس بی نیازی از خداوند می کنند و همین احساس، آنان را به طغیان می کشاند. شاید سخن حضرت امیرالمؤمنین دربارهٔ مال، اشاره به همین معنا باشد. ایشان فرمودند: «مال، مایه و مادهٔ شهوت است.»(2) خودِ مال و دارایی، انسان را به عصیان نمی کشد؛ بلکه مال مایهٔ شهوات و شهوات زمینه ساز عصیان است.

۱- . علق، ۷-۶.

۲- . نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۳۷۰.

خداوند متعال می فرماید:

« وَ ما أُوتیتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَمَتاعُ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ زینَتُها وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ وَ أَبْقی أَ فَلا تَعْقِلُون»(۱) (=و هرآنچه به شما داده ایم، کالای زندگی دنیا و زیور آن است و[لی] آنچه نزد خداست، بهتر و پایدار تر است، مگر نمی اندیشید؟.)

تقابل میان نعمت های دنیا و آخرت و اینکه یکی فانی است و دیگری باقی، نشان دهندهٔ بی ارزشی نعمت های دنیا در نگاه قرآن است.

امیرالمؤمنین فرمودند:

به خدا سوگند، این دنیای شما در چشم من پست تر از استخوان خوکی است که به دست فردی جذامی باشد.(۲)

ص:۱۶

۱- . قصص، ۶۰.

۲- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۳۶، ص ۴۰۰.

و نیز هشدار دادند:

آگاه باشید، این دنیایی که تمنای آن را دارید و بدان رغبت می ورزید و شما را خشمگین یا خشنود می کند، سرا و خانهٔ شما نیست که برای آن آفریده و به آن دعوت شده اید. بدانید برایتان باقی نمی ماند و شما نیز برای آن باقی نمی مانید.(۱)

برای دنیا آفریده نشده ایم و برای کوشش در آن مأمور نگشته ایم. فقط در آن قرار گرفته ایم تا با آن آزمایش شویم.(۲)

این روایات نیز هریک به زبانی، بی ارزشی دنیا را بیان می کنند و استدلال به آن ها، از رهگذر دلالتشان بر بی ارزشی دنیاست.

ص:۱۷

۱- . همان، خطبهٔ ۱۷۳، ص۱۷۹.

۲- . همان، نامهٔ ۵۵، ص۳۴۲.

۶. فقر، پسندیده است

امام صادق فرمودند:

هرچه به ایمان شخص افزوده شود، تنگ دستی او در معاش نیز بیشتر می شود.(۱)

به فرمودهٔ رسول خدا:

دو چیز است که آدمی دوست ندارد: مرگ و اندکیِ مال. مرگ را دوست ندارد؛ درحالی که موجب آسودگی مؤمن از فتنه و آزمایش است. اندکیِ مال را نیز دوست ندارد؛ درحالی که موجب کم تر شدن و آسانی محاسبه در آخرت است.

روزی امام سجاد به یاران خود فرمودند:

برادران من! شما را به سرای آخرت سفارش می کنم و نه به سرای دنیا. همانا به دنیا

۱- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۶۹، ص۹، به نقل از: اصول کافی.

حرص دارید و چنگ زده اید. آیا آنچه عیسی بن مریم به حواریون گفت، به شما نرسیده است؟ به آنان گفت: دنیا پلی است؛ از آن عبور کنید و آن را آباد نکنید. کدام یک از شما بر موج دریا، خانه بنا می کند؟ چنین است سرای دنیای شما؛ پس آن را محل استقرار خود قرار ندهید.(۱)

پیامبراکرم نیز چنین بیان کرده اند:

فقر، فخر من است و به آن افتخار می کنم.(۲)

از آنچه گفتیم، چنین برمی آید که دنیا از دیدگاه اسلام، ناپایدار و فریبنده و مایهٔ گمراهی است. نزدیکی به آن، به دوری از آخرت می انجامد و بهره مندی از مواهب آن، موجب عذاب و کاهش ثواب اخروی می شود. پس تنگ دستی نیکوست.

۱- . همان، ج۷۰، ص۱۰۷، به نقل از: المجالس.

۲- . همان، ج۶۹، ص۵۵، به نقل از: عدهالداعی.

تصویر



ص:۲۰

الگوی رفاه و غنا

اشاره

بی گمان، آن قدر که در موعظه ها و سخنرانی ها از ترک دنیا سخن گفته اند، به رفاه و گشایش رزق ترغیب نکرده اند. این بدان دلیل است که جاذبه های رنگارنگ دنیا، انسان را بیش ازحد به سوی خود می خواند و ناصحان را برای تعدیل انسان، به بدگویی از دنیا واداشته است؛ اما در منابع دینی، به بهره مندی از مواهب دنیا نیز ترغیب کرده و ترک دنیا و فقر را نکوهش کرده اند.(۱)

۱. کسب مواهب دنیوی و مادی، در اسلام مطلوب است

خداوند متعال می فرماید:

« هُوَ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُوا فی مَناکِبِها وَ کُلُوا مِنْ رِزْقِهِ» (۲) (=او کسی است که زمین را

ص:۲۱

۱- . البته نکوهش فقر با کفاف نیز سازگار است.

۲- . ملک، ۵۱.

برای شما رام گردانید. پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید.)

خداونـد توانـایی های انسان و قابلیت های جهان اطراف او را به گونه ای قرار داده است که به آسانی بتوانـد نیازهای زنـدگی خود را برآورده کنـد. این آیه علاـوه براینکه خود به تنهـایی، بر جواز و حتی حسن بهره برداری از مواهب دنیا دلالت می کنـد، انسان را به کسب وکار و بهره برداری از دنیا فرمان داده است.

امام باقر فرمودند:

عبادت هفتاد قسمت است که برترین آن ها، طلب رزق حلال است.(۱)

این روایت، مطلوب بودن طلب رزق حلال را در حد وجوب، به صراحت بیان می کند.

به فرمودۀ حضرت امیر:

۱- . شیخ حرالعاملی، وسائل الشیعه، ج۱۲، کتاب التجاره، باب ۴ از ابواب المقدمات، ص۱۱، ح۶، به نقل از: الفروغ و التهذیب.

از رحمت خدا دور باد کسی که آب وخاک بیابد و باز فقیر بماند.(۱)

این روایت، کوتاهی در کسب رزق را مذمّت کرده است.

دربارهٔ آبادانی نیز از امام علی نقل کرده اند:

خداوند متعال می فرماید: « هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فيها »(۲) خداوند سبحان با این آیه، ما را آگاه می کند که به مردم فرمان آبادانی داده است تا این کار، وسیله ای برای معیشت آنان باشد. آنان می توانند با حبوبات و محصولات و آنچه از زمین بیرون می آید و خدا برای معاش خلایق قرار داده است، زندگی کنند.(۳)

تا اینجا، چنین برمی آید که طلب دنیا، حلال و بلکه مطلوب یا واجب است؛ اما مطلوب بودن

۱- . همان، باب ۹ از ابواب المقدمات، ح۱۳، ص۲۴، به نقل از: قرب الاسناد.

۲- . هود، ۶۱.

۳- . شیخ حرالعاملی، وسائل الشیعه، ج۱۳، کتاب المزارعه و المساقاه، ص۱۹۵، ب۳، ح۱۰، به نقل از: المحکم و المتشابه.

دنیا را بیش از میزان کفاف اثبات نمی کند. روایاتی که پس از این خواهیم گفت، بر این مطلوبیت دلالت می کنند:

امام باقر فرمودند:

هرکس به منظور استعفاف و برای تـأمین معاش خانوادهٔ خود و برای آنکه بتوانـد به همسایـهٔ خود احسان کنـد، به طلب دنیا برخیزد، در قیامت درحالی خداوند را ملاقات می کند که چهرهٔ او مانند ماه شب چهاردهم، درخشنده و نورانی است.(۱)

مطلوبیت طلب دنیا برای امکان احسان به همسایگان نشان می دهد که طلب دنیا، بیش از میزان کفایت است.

امام صادق درتفسیر آیهٔ)ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه(فرمودند:

ص:۲۴

۱- . همان، ج۱۲، کتاب التجاره، باب ۴ از ابواب المقدمات، ص۱۱، ح۵، به نقل از: الفروع و التهذیب.

منظور از این آیه، خشنودی خدا، بهشت در آخرت، گشایش در روزی و اخلاق نیکو در دنیاست.(۱)

گشایش در روزی، نشان دهندهٔ تمکن بیش از کفایت است.

معاذ لباس فروش می گوید:

امام صادق به من فرمودند: ای معاذ، آیا از تجارت ناتوان شده ای یا به آن بی میل گشته ای؟ عرض کردم: نه ناتوان و نه بی میل شده ام. فرمودند: پس چرا تجارت نمی کنی؟ عرض کردم: منتظر فرمان شما بودم. زمانی که ولید را کشتند، مال فراوانی داشتم که هم اکنون در دست من است. کسی نیز از من طلبی ندارد و گمان نمی کنم تا پایان عمرم بتوانم این مال را خرج کنم. فرمودند: تجارت را ترک نکن؛ چون تَرک آن عقل را می برد. بر

۱- . همان، باب ۱ از ابواب المقدمات، ص۲، ح۱، به نقل از: الفقیه، کافی، معانی الاخبار و التهذیب.

خانوادهٔ خود گشایش بده تا مبادا پشت سرت بدگویی کنند.(۱)

معاذ در نقل روایتی دیگر می گوید:

به امام صادق عرض کردم: می خواهم بازار را رها کنم و ثروت نیز دارم. فرمودند: دراین صورت، خِرد تو سقوط کند و در هیچ کاری نمی توان از تو یاری خواست.(۲)

ظاهراً هر دو سخن امام، دربارهٔ یک موضوع بوده است و از مجموع آن، سه علت برای توصیهٔ امام به تجارت به دست می آید:

۱. ازبین رفتن عقل، درصورت ترک تجارت. شاید منظور این است که ترک تجارت، علم تجارت را از یاد انسان می برد یا اینکه بیکاری، سبب تباهی عقل می شود؛ ۲. تأمین گشایش روزی برای خانواده و آینده نگری برای آنان؛ ۳. امکان انجام دادن کارهای خیر.

۱- . همان، باب ۲ از ابواب المقدمات، ص۶، ح۴، به نقل از: الفروغ و التهذیب.

۲- . همان، ح۷، به نقل از: کافی و التهذیب.

محمدبن عذافر می گوید:

امام صادق ۱۷۰۰دینار به پدرم دادند و فرمودند: با آن برای من تجارت کن. سپس افزودند: من به سود آن رغبتی ندارم. باآنکه سود، خواستنی و مطلوب است؛ اما دوست دارم خدای عزیز و جلیل مرا ببیند که به دنبال فوایدی می روم که او قرار داده است.(۱)

دلالت این روایت بر نیکویی کسب وکارِ بیش از کفاف، روشن است. تفاوتش با روایات قبل در این است که در آن ها، مطلوبیت کسبِ بیش از کفاف، برای مسائل دیگری ازقبیل احسان به دیگران و آینده نگری برای فرزندان است و در اصطلاح، مطلوبیت غیری دارد. اما در روایت اخیر، خودِ کسب را مطلوب شمرده اند و در اصطلاح، مطلوبیت نفسی دارد.

حمادبن عثمان می گوید:

ص:۲۷

۱- . همان، باب ۱۱ از ابواب المقدمات، ص۲۶، ح۱، به نقل از: الفروغ و التهذیب.

مردم مدینه به قحطی دچار شدند؛ تاآنجاکه مردی تنگ دست، گندم را با جو مخلوط می کرد و می خورد. در این هنگام، امام صادق گندمی خوب و مرغوب داشتند که در ابتدای سال خریده بودند. امام با مشاهدهٔ وضع مردم، به یکی از خدمتکاران خود فرمودند: برای ما جو بخر و با این گندم مخلوط کن یا گندم را بفروش. دوست ندارم نان خوب و مرغوب بخوریم؛ درحالی که مردم نانی نامطبوع می خورند.(۱)

در اینجا، فعل معصوم جواز رفاه را به اندازهٔ ذخیرهٔ آذوقهٔ سال ثابت می کند. اگر تکرار این فعل ثابت شود، مطلوبیت آن نیز ثابت می شود؛ مطلوبیت به معنای اعم که در حدّ استحباب است. اما این جواز یا مطلوبیت، برای وضعیت خاصی است و آن، زمانی است که مردم در سختی نباشند و معیشت عمومی مردم، دست ِکم به اندازهٔ کفاف باشد. در روایت بعد،

۱- . همان، باب ۳۲ از ابواب آداب التجاره، ص۳۲۱، ح۱، به نقل از: الکافی و التهذیب.

امام رضا حکمتی را برای ذخیرهٔ آذوقهٔ سال بیان می کنـد که مفاد آن، مطلوبیت ذخیرهٔ ارزاقِ ضـروری برای خانواده است. حسن بن جهم می گوید:

از امام رضا شنیدم که می فرمودند: انسان زمانی که نان و گندم سال خود را تأمین می کند، پشتش سبک و راحت است.(۱)

امام صادق به غلام خود، مَصارِف، توصیه کردند:

برای خود باغ یا مزرعه ای مهیا کن؛ زیرا مرد اگر با گرفتاری و مصیبتی روبه رو شود و بداند پس از او چیزی هست که عائله اش را اداره کند، آرامش خاطر بیشتری خواهد داشت.(۲)

روشن است حضـرت برای آرامش خاطر مصارف، به او توصـیه می کننـد که باغ یا مزرعه ای تهیه کند. بدیهی است این آینده نگری، بیش از ذخیرهٔ آذوقهٔ سال است که در روایت قبل

۱- . همان، باب ۳۱ از ابواب آداب التجاره، ص۳۲۰، ح۲، به نقل از: الکافی.
۲- . همان، ج۲، باب ۲۴ از ابواب المقدمات، ص۴۴، ح۳، به نقل از: الکافی.

آمـده است. از این روایات چنین برمی آیـد که نه تنها طلب دنیا به انـدازهٔ کفاف، بلکه طلب آن برای رفاه و احسان و پس انـداز نیز شایسـته و ضروری است.

۲. دنیا و مواهب مادی، خیر و از فضل و رحمت الهی است

خداوند متعال می فرماید:

«کُتِبَ عَلَیْکُمْ اذا حَضَـرَ أَحَـدَکُمُ الْمَوْتُ انْ تَرَکَ خَیْراً الْوَصِیَّهُ لِلْوالِدَیْنِ وَ الْأَقْرَبینَ بِالْمَعْرُوف»(۱) (=بر شـماست که چون مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر خیری برجای گذارد، برای پدر ومادر و خویشاوندان [خود]، به طور پسندیده وصیت کند.)

«وَ آخَرُونَ یَضْرِبُونَ فِی الْأَرْضِ یَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّه» (۲) (=و [عده ای] دیگر در زمین سفر می کنند [و] به دنبال روزی خدا هستند.)

۱- . قصص، ۰۸۱.

۲- . مزمل،۲۰.

این دو آیه، از مواهب دنیوی و مادی با تعابیر خیر و فضل یاد کرده است که نشان از ارزشمندی آن از دیدگاه قرآن دارد.

۳. دنیا و مواهب آن، پاداش دین داری و اَعمال صالح است

خداوند می فرماید:

«وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراهَ وَ الانجیلَ وَ ما أُنْزِلَ الَیْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَکَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (۱) (=و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه پروردگارشان نازل کرده است، عمل می کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می شدند.)

حضرت امیر فرمودند:

خداوند استغفار را وسیله ای برای فراوانی رزق و رحم بر خلق قرار داده و فرموده

۱- . مائده، ۶۶.

تصویر



است: استغفروا ربکم انه کان غفارا، یرسل السماء علیکم مدراراً و یمددکم باموال و بنین؛(۱) از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است تا بر شما از آسمان، باران پی درپی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند.

به فرمودهٔ رسول خدا:

هرکس دوست دارد که خداوند عمرش را طولانی کند و در روزی او گشایش دهد، صلهٔ رحم کند.(۲)

اینکه قرآن، فراوانی روزی را یکی از آثار دین داری و اعمال صالح معرفی کرده است، نشان دهندهٔ دو موضوع است: ۱. فراوانی روزی، همان گونه که از دید مردم مطلوب است، از دید خداوند نیز پسندیده است؛ ۲. دین داری نه تنها با گشایش روزی منافات ندارد، بلکه

۱- . نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۴۳، ص۱۳۸.

۲- . یعقوب الکلینی، اصول الکافی، ج۲، کتاب الایمان و الکفر، باب صله الرحم، ص۱۵۶، ح۲۹.

با آن ملازم است.

۴. گاه محرومیت از مواهب دنیا، کیفر اَعمال زشت است

پروردگار عالَم می فرماید:

« وَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتيها رِزْقُها رَغَداً مِنْ كُلِّ مَكانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللّهِ فَأَذاقَهَا اللّهُ لِباسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِما كانُوا يَصْنَعُون» (۱) (=و خدا شهری را مثال زده است که امن وامان بود [و] روزی اش از هر سو فراوان می رسید. پس [ساکنانش] از نعمت های خداوند ناسپاسی کردند و خداوند نیز به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید.)

دلالت این آیه بر مطلوب بودن وسعت رزق، مانند آیهٔ پیشین است. صدر آیه، گشایش

۱- . نحل، ۱۱۲.

روزی را از آثار ایمان می داند و اواخر آیه، کمیِ رزق را از آثار کفران نعمت های الهی.

۵. فقر ناپسند است

امیرمؤمنان فرمودند:

فقر مرگ بزرگ تری است.(۱)

و نیز: پسرم، من برای تو از فقر بیمناکم. از آن به خدا پناه ببر؛ چراکه فقر، کاهندهٔ دین و حیران کنندهٔ عقل و فراخوانندهٔ دشمنی است.(۲)

به بیان امام صادق:

نزدیک است که فقر به کفر انجامد.(۳)

۱- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۶۳، ص۳۹۱.

۲- . همان، کلمات قصار ۳۱۹، ص۴۱۹.

۳- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۶۹، ص۲۹، به نقل از: امالی الصدوق.

خلاـصه آنکه از دیـدگاه قرآن و روایـات، مـال و ثروت و نعمت های دنیا، خیر و فضـلی الهی است که خداونـد برای بنـدگان خود نازل کرده است؛ پس طلب آن مطلوب است. گشایش در روزی و پس انـداز و ذخیرهٔ آذوقه نیز نیکوست. کسب وکار، فی حدّنفسه و حتی بیش از میزان کفاف، عمل پسندیده ای است. فقر نیز ناپسند است و مفاسد فراوانی در پی دارد.

ص:۳۶

الگوی کفاف

کفاف یعنی بهره بردن از دنیا، به اندازهٔ نیاز متعارف؛ یعنی حد وسط میان فقر و رفاه. نیاز متعارف هر شخص را موقعیت اجتماعی او تعیین می کند که از آن، به شأن تعبیر می کنند. ازاین رو، هرکس نتواند متناسب با شأن خود گذران عمر کند، فقیر به شمار می آید. شیخ حرعاملی باب مستقلی را در کتاب زکات خود آورده و گفته است: «فقیر جایز است زکات بگیرد، گرچه خانه و خادم و آنچه به آن احتیاج دارد، داشته باشد؛ به شرط آنکه آنچه می گیرد، بیش تر از کفایت سالش نباشد.» برای مثال، راوی در روایت سوم این باب می گوید:

با ابوبصیر خدمت امام صادق رسیدیم. ابوبصیر به آن حضرت گفت: دوستی داریم که خانه ای به قیمت ۴۰۰۰درهم و کنیزی دارد. غلامی دارد که به شتر آب می دهد و روزانه ۲تا۴درهم می گیرد و این غیر از علف شتر است. عیال نیز دارد. آیا می تواند از زکات مصرف کند؟ حضرت فرمودند: آری. ابوبصیر گفت: حتی اگر این مقدار اموال داشته باشد؟ فرمودند:

ای محمد، آیا می گویی به او امر کنم خانه اش را بفروشد که عزت اوست و در آن استراحت می کند؟ خادمش را بفروشد که او را از سرما و گرما حفظ می کند و آبروی او و عیالش را نگه می دارد؟ غلام و شترش را بفروشد که معیشت و روزی اوست؟ بلکه از زکات بگیرد که برای او حلال است و نه خانه اش را بفروشد، نه غلامش را و نه شترش را.(1)

به نظر می رسد که ابوبصیر آن شخص را فقیر نمی دانسته است؛ اما امام صادق براساس شأن آن شخص، او را مستحق زکات به شمار آورده اند. آیات و روایاتی که در الگوی رفاه، بر خیر و فضل و رحمت بودن مال و ثروت و نعمت های دنیا دلالت می کرد، بر حُسن کفاف نیز دلالت می کند؛ چراکه در کفاف نیز مانند رفاه، بهره وری از مواهب دنیا وجود دارد. امتیاز الگوی کفاف درمقایسه با الگوهای فقر و رفاه، این است که کفاف هیچ یک از معایب فقر را

۱- . شیخ حرالعاملی، وسائل الشیعه، ج۶، کتاب الزکاه، باب ۹ از ابواب المستحقین للزکاه، ص۱۶۲، ح۳، به نقل از: الکافی. در فروع کافی، آن شخص مستحق زکات را عباس بن ولیدبن صبیح عنوان کرده اند.

نـدارد؛ چون مایـهٔ بی نیـازی از مردم و سـبب عزت انسان است. همچنین، از معایب غنا و رفاه نیز مصون است؛ چراکه مفاسـدی ماننـد طغیان و استکبار و صفات پَست دیگری که ممکن است در غنا پیدا شود، بر آن مترتب نمی شود. روایات بسیاری نیز در مدح کفاف وجود دارد.

امیرالمؤمنین فرمودند:

آن که در معاش به قدر کفاف اکتفا کند، قطعاً به آسودگی پیوسته است.

همچنین:

معـاش روزانه و به قـدر کفـاف از دنیا، پاکیزه تر از ثروتمنـدی است... . مؤمن به دنیا به چشم عبرت می نگرد و قُوّت و روزی را به قـدری می خورد که ناگزیر از آن است.(۱)

همچنین فرمودند:

۱- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۶۷، ص۴۲۵.

خوشا آن که قیامت را یاد کند، برای حساب در آخرت عمل کند، به قدر کفاف قناعت ورزد و از خداوند راضی باشد.(۱)

روایاتی که تحت عنوان قناعت دسته بندی کرده اند نیز کفاف را نیکو می شمارد. حضرت امیر فرمودند:

قناعت تمام نمی شود.(۲)

هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت نیست.(۳)

خداوند رحمت کند خباب بن ارث را که بارغبت اسلام آورد، با فرمان برداری هجرت

۱- . همان، کلمات قصار ۴۴، ص۳۶۸.

۲- . همان، کلمات قصار ۵۷، ص۳۴۹، ۳۷۰، ۴۲۳، ۴۴۵ و ۴۷۵.

۳- . همان، کلمات قصار ۳۷۱، ص۴۲۸.

کرد، به قدر کفاف قناعت ورزید، از خداوند خشنود شد و با جهاد زیست.(۱)

حضرت در نکوهش ثروتِ بیش از کفاف نیز فرمودند:

آن که از دنیا به دست آورَد، آنچه او را ایمن می کند، بسیار یافته است. آن که از دنیا بسیار به کف آورد، آنچه او را هلاک می کند، بسیار یافته است و به زودی آنچه به دست آورده است، از دستش می رود.(۲)

هم ایشان بیان کرده اند:

اندوه یک سالت را بر یک روزت تحمیل نکن. هرروزت را آنچه در آن است، کافی است. اگر سال از عمرت باشد، خدا در هر فردا، آنچه برایت قسمت کرده است، به تو می رساند

۱- . همان، کلمات قصار ۴۳، ص۳۶۸.

۲- . همان، خطبهٔ ۱۱۱، ص۱۰۸.

و اگر سال از عمرت نباشد، با اندیشه و اندوه آنچه برای تو نیست، همراه چرایی؟(۱)

رسول خدا نیز برای خود و اهل بیت و دوستداران ایشان، از خداوند کفاف و عفاف طلب می کرد و برای دشمنان آنان مال و فرزند:

خدایا، به محمد و خاندان او و کسی که آنان را دوست می دارد، پارسایی و روزی به قدر کفاف عنایت فرما و به کسی که با محمد و خاندان او دشمن است، مال و فرزند بده.(۲)

۱- . همان، کلمات قصار ۳۷۹، ص ۴۳۰.

۲- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۶۹، ص۹۵، به نقل از: اصول الکافی.

نتیجه گیری از دلایل الگوهای سه گانه

نکتهٔ اول:

از آنچه برای معایب و محاسن فقر گفتیم، رهیافت های زیر به دست می آید:

۱. فقر فی حدنفسه بد است و مفاسد فراوانی دارد؛ بنابراین توصیه نمی کنند که انسان خود را به فقر افکند؛

۲. اگر انسان بدون اختیار خود فقیر شود؛ یعنی تلاش خود را برای تأمین معاش انجام دهد و به عللی فقیر شود که دراختیار او نیست، برای چنین فقری، محاسن و امتیازاتی تصور کردنی است:

۱.۲. حساب اخروی را آسان می کند؛ زیرا اولاً انسان باید در برابر هر نعمتی پاسخ گو باشد که با آن نعمت، چه کرده است و ثانیاً برآمدن از آزمایش های فقر، آسان تر از برآمدن

تصویر



از آزمایش های ثروت است؛

۲.۲. اگر شخصی در برابر این فقر غیراختیاری، صبر پیشه کند یا بهتر از آن، راضی وشکور

باشد، با همین صبر و رضا و شکر، سزاوار ثواب و پاداش خواهد بود. بنابراین، فقر غیراختیاری ممکن است زمینهٔ این پاداش را فراهم کند؛

۳.۲. خود فقر غیراختیاری موجب ثواب نیست؛ اما سبب کاهش عذاب می شود. مولاـعلی دربارهٔ بیماری فرمودند: «خداوند آنچه از آن شکایت می کنی، موجب کاستن گناهانت گردانَد. در بیماری مزدی نیست؛ ولی از گناهان می کاهد و آن ها را همچون پیراستن برگ از درختان می پیراید. مزد در گفتار است به زبان و کردار با گام ها و دستان»؛(۱)

۴.۲. پروردگار ما بندگان مؤمن خود را با فقر می آزماید و آنان را در کوران سختیِ فقر توانا

۱- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۴۲، ص۳۶۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۶۹، ص۱۹و۳۴.

می کند. درواقع، ثواب اخرویِ ناشی از صفات نیکی که انسان با گذر از آزمون فقر کسب می کند، یک چیز است و توانایی و کمالی که در همین دنیا از آن ها به دست می آورد، چیزی دیگر. این کمال ها او را برای کسب فضایلی دیگر نیز یاری می کند. برخی روایاتی که به نحوی فقر را مدح کرده است، به این لوازم نیک اشاره می کند.

۳. برخی روایاتی که فقر را می ستاید، ممکن است با فقر مالی ارتباطی نداشته باشد و مراد از آن ها، احساس فقر و نیاز به خداوند باشد. فقر معانی مختلفی دارد که فقط برخی از آن ها فقر مالی است. راغب اصفهانی در مفردات می گوید:

فقر بر چهار وجه استعمال می شود: یکم، وجود حاجت ضروری که در همهٔ موجودات هست و در آیهٔ «یا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ الَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ»(۱) به همین معناست؛ دوم،

۱- . فاطر، ۱۵.

فقـدان روزی و در آیهٔ « لِلْفُقَراءِ الَّذینَ أَحْصِرُوا فی سَبیلِ اللَّه...» (۱) به همین معنـاست؛ سوم، فقر نفس، به معنـای حرص و طمع که در روایتِ «نزدیک است که فقر به کفر انجامد» به این معناست؛ چهارم، فقر به خدا که در روایتِ «خدایا، مرا به واسطهٔ فقر به خودت بی نیازم گردان» به این معناست.(۲)

مراد از فقر، در حدیث نبویِ «فقر فخر من است» نیز به همین معنای اخیر است. علامه مجلسی می گوید:

همانـا از میـان پیـامبران نبی اکرم| فقر را افتخـار خود دانسـتند؛ بـااینکه آنان نیز در این فقر با ایشان شـریک انـد؛ به دلیل آنکه توحیـد ایشان و اتصالشان به حضرت حق و انقطاعشان به سوی او، از دیگر پیامبران بیشتر است؛ پس فقر ایشان نیز به خداوند

ص:۴۷

۱- . بقره، ۲۷۳.

۲- . راغب اصفهانی، المفردات، ص۳۸۳.

کامل تر از فقر آنان است.(۱)

نکتهٔ دوم:

از مجموع آنچه در مدح یا ذم، غن-ا و ث-روتمندی گفت-یم، چنین برمی آی-د:

۱. اصل کسب وکار، مطلوب است؛ اما اگر باعث غفلت از خداوند شود، نکوهیده است؛

۲. مال و ثروتِ بیش از میزان کفاف، علاوه براینکه ممکن است سبب فساد و طغیان شود، از اسباب احسان و ثواب نیز به شمار می آید؛

۳. ذخیرهٔ آذوقه و پس انـداز و آینـده نگری پسـندیده است؛ اما درجایی که اغلب افراد جامعه، زندگی درحد کفاف داشـته باشـند. اگر معاش اغلب آنان، کمتر از حد کفاف باشد، رفاه حتی به

۱- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۶۹، ص۳۲.

میزان ذخیرهٔ آذوقه نیز ناپسند است؛ همان طورکه از روایت ذخیرهٔ گندم برمی آید. به عبارت دیگر، اگر سطح زندگی مردم درحد کفاف باشد، اسلام برای آرامش خاطر مردم، ذخیره را برمی تابد. اما اگر سطح زندگی مردم، کمتر از حد کفاف بود و به اصطلاح، عامهٔ مردم محتاج نان شب بودند، اسلام تأمین مایحتاج عامهٔ مردم را بر آرامش خاطر ثروتمندان ترجیح داده است.

نکتهٔ سوم:

دربارهٔ کفاف نیز نتایج زیر را به دست آوردیم:

۱. کفاف فی حد نفسه ممدوح و خوب است؛

۲. کفاف از معایب فقر و غنا مُبرّاست.

شاید در نگاه نخست، با توجه به این نتایج بگوییم که کفاف، از فقر و غنا برتر است؛ چون

علاوه براینکه ممدوح است، از آفت های آن دو نیز پاک است؛(۱) اما چنین نیست و دربارهٔ فقرِ بدون صبر و غنای بدون انفاق، می توان چنین نظریه ای داد؛ ولی زمانی که موضوع، دایر، میان فقر صبورانه و غنای منفقانه باشد، نمی توان به راحتی کفاف را بر آن دو ترجیح داد. ازآنجاکه این بحث، رنگ اخلاقی دارد و سخن درزمینهٔ افعال اختیاری انسان است، مراد این است که او را به یکی از این سه ترغیب کنند. ازسوی دیگر، از دیدگاه اسلام فقر اختیاری مذموم و مردود است؛ بنابراین، هیچ گونه توصیه ای مبنی بر ممدوح بودن فقر نخواهند کرد.(۲) البته بحث صبر و رضا و شکر را در برابر فقر غیراختیاری مطرح کرده اند که خود، فعلی اختیاری است. بنابراین، بهترین حالتی که به آن سفارش می کنند، کفاف و غنای توأم با انفاق و احسان است

ص:۵۰

۱- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۶۹، ص۳۳ و ۶۰.

۲- . برخی که فقر همراه با صبر را بر غنای همراه با شکر و انفاق ترجیح داده اند، به تفکیک فقر اختیاری و غیراختیاری توجهی نکرده اند. آری، شاید حال فقیر صابر، در فقر غیراختیاری، از غنی شاکر بهتر باشد. هر دو مأجورند؛ اما حساب فقیر آسان تر است.

الگوی کار و ثروت

اگر الگوی مصرف در اسلام کفاف است و رفاه را فقط در جایی توصیه کرده اند که همهٔ جامعه در کفاف باشند، آیا الگوی کار و ثروت نیز برای همان مقدار از الگوی مصرف، مطلوب خواهد بود؟ باید دانست که اسلام الگوی کار و ثروت را صرفاً براساس الگوی مصرف شخصی تعیین نمی کند. افراد جامعه علاوه براینکه مسئول معاش خود هستند، در برابر معاش دیگران و نیز توانمندی جامعهٔ اسلامی در برابر جوامع دیگر مسئولیت دارند. این مسئولیت باعث می شود کسانی که می توانند بیش از الگوی مصرف خود کار کرده و ثروتی کسب کنند، تلاش خود را برای دو هدف دیگر، یعنی تأمین معاش دیگران و توانمندسازی جامعهٔ اسلامی نیز ادامه دهند. اما در این راستا، محدودیت هایی نیز برای کار و ثروت وجود دارد. این محدودیت ها را براساس روایات معصومان در سه بند ارائه می کنیم:

ص:۵۱

اول، مؤمن باید در کسب معاش، نه چنان سستی کند که زندگی اش به فقر گراید و نه چنان شتاب زده و حرص آلوده عمل کند که به دنیاپرستان شبیه شود. امام صادق می فرمودند:

باید کوشش تو برای معاش، برتر از تلاش کسی باشد که ضایع و تباه می کند و کمتر از کوشش آزمندی باشد که به دنیایش خشنود و دل بسته است. ولی خود را در این کار، همچون منصف آبرومندی قرار ده و جایگاه خود را از جایگاه فرد سست و ناتوان، برتر بدان و آنچه مؤمن از آن ناچار است، کسب کن.(۱)

در این روایت، امام دو حد را برای کار بیان کرده اند: ۱. مانند بیکارانی نباشد که امکانات و موقعیت خود را تباه می کنند؛ ۲. با حرص و ولع مانند آزمندان نباشد. اینکه امام صادق معیارهای خود را به روش دو گروه انسان بیان کرده اند، دو فایده دارد: ۱. این دو گروه ممکن

ص:۵۲

۱- . شیخ حرالعاملی، وسائل الشیعه، ج۱۲، کتاب التجار، باب ۱۳ از ابواب المقدمات، ص۳۰، ح۲.

است در هر زمان و فرهنگی متفاوت باشند؛ پس این معیار، انطباق پذیر با آن ها خواهد بود؛ ۲. علاوه بر حد کمّی کسب وکار، برخی زوایای کیفی آن را نیز معیّن می کند.

دوم، کار نباید مانع عبادت شود؛ چراکه هدف اصلی خلقت انسان عبادت است.(۱) معاش برای عبادت است و گرچه تأمین کفاف عمومی و تعدیل ثروت (عدالت اقتصادی) هدف ا ند، درمقایسه با هدف غایی (عبادت)، مقدمه و زمینه سازند. به عبارت دیگر، هدف اول اسلام، عبادت، خداپرستی و خداشناسی است و هدف دوم، برقراری عدالت.(۲) پس تلاش برای معاش و حتی برای برقراری عدالت، نباید مانع از پرستش خداوند شود. همچنین، کار و عبادت نباید تمام زمان انسان را بگیرد؛ چراکه خستگی و افسردگی، وجود انسانِ ضعیف را فرا می گیرد و او را از کار و عبادت بازمی دارد.

۱- . ذاریات، ۵۶.

۲- . مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، وحی و نبوت، ص۱۵۹.

ازاین رو، اسلام توصیه کرده است که انسان برای نشاط و آمادگی بیشتر در کار و عبادت، بخشی از زمان خود را با تفریح و بهره وری از حلال بگذراند. این همان معنای سخن حضرت امیر است که فرمودند:

برای مؤمن سه ساعت است: ساعتی که در آن، با پروردگار خود رازونیاز می کند، ساعتی که به تأمین معیشت خود می پردازد و ساعتی که نفس خود را به برخورداری از لذت های حلال و نیکو وا می گذارد.(۱)

سوم، این نکته را متذکر می شویم که در روایات، اگر دنیا وسیله ای برای آخرت بوده یا تصرفات انسان در آن مشروع باشد، از آن به دنیا تعبیر نکرده اند؛ بلکه نام آخرت بر آن گذاشته اند.

در روایتی صحیح، ا بن ابی یعفور می گوید:

به امام صادق عرض کردم: دنیا را دوست دارم. آن حضرت فرمودند: با آن چه می کنی؟ گفتم:

۱- . نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۹۰، ص۴۲۳.

مخارج ازدواجم را می دهم، حج به جا می آورم، برای زندگی خانواده ام خرج می کنم، به دوستانم کمک می کنم و صدقه می دهم. حضرت فرمودند: این از دنیا نیست، این از آخرت است.(۱)

علامه مجلسی می گوید:

هرآنچه از دنیا که موجب رضایت خداوند سبحان و تقرب به او باشد، از آخرت به حساب می آید؛ گرچه به حسب ظاهر، از اعمال دنیا باشد. مانند تجارت و صنعت و زراعت که مقصود از آن، تهیهٔ معاش خانواده است و خداوند به آن دستور داده است. همچنین، مصرف دنیا در راه های خیر، کمک به مستمندان، حفظ آبروی خود از اینکه محتاج دیگران باشد و مانند آن، همه از اعمال آخرت است. اما عموم مردم آن را از دنیا می دانند.(۲)

بنابراین، اگر گرایش انسان به مظاهر دنیوی، تعدیل شده و به منظور برخورداری های

۱- . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص۶۲.

۲- . همان، ص۶۳.

سالم باشد، نه تنها مذموم و نکوهیده نیست، بلکه مورد پسند خداوند و پیشوایان دینی نیز هست. درواقع، آنچه مذمت کرده اند و روی گردانی از آن، اصل اصیل اخلاق اسلامی است، گرایش افراطی و خارج از قاعده به دنیاست، نه برآوردن نیازهای بشری و بهره وری های سالم. (۱)

۱- . برای مطالعهٔ بیشتر: ۱. ارزش دنیا، حسنعلی علی ا کبریان،کانون اندیشهٔ جوان.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹